



تعداد فرزندان از منظر دین

اسلام فرزند را موهبت بزرگ الهی شمرده، زنان و مردان را به ازدواج و فرزندآوری توصیه می‌کند؛ تا آنجا به خانواده اهمیت داده که در قوانین شریعت تعادل بین روابط و حتی تعداد اعضای خانواده، ویژگی‌های ارتباطات تربیتی، اجتماعی و فرهنگی را مورد توجه قرار داده‌است. این موارد در سوره‌های متعدد قرآن مثل بقره، نساء، نور، طلاق و... فراوان ذکر شده‌است. ابتدای آیه «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها و بثّ منها رجالاً کثیراً و نساء فاتقوا الله الذی تساءلون به و الارحام...» در سوره نساء آنچه مورد سخن قرار گرفته، تکثیر فرزند است و تقوی در خصوص خانواده هم در ابتدای آیه و هم در آخر آیه، مورد تأکید

واقع شده‌است، جایگاه ارحام و ازدیاد آن و تکثیر نسل در زمره موارد تبیین این آیه است. در واقع ادیان به ویژه اسلام در خصوص ازدواج و تکثیر نسل، اهمیت زیادی قائل است و تأکید دارد بر تکثیر نسل صالح و افزایش جمعیتی که زمینه‌ساز «آنّ الارض یرثها عبادی الصالحون» باشد. خداوند در قرآن می‌فرماید «و کذلک جعلناکم أمه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیداً» (بقره، ۱۴۳)، با توجه به مفاد این آیه می‌توان نتیجه گرفت که تعادل، ثبات و سلامت خانواده را باید

در نظر گرفت، اصل نخست در اسلام تکثیر نسل و سامان‌دهی به این تکثیر و به نظم در آوردن اعضای خانواده است.

هدف ازدواج در اسلام تکامل روح و جسم و خوشبختی زوجین می‌باشد و آوردن فرزند برای کامل کردن هر چه بیشتر آنها و سهیم کردن فرزند در این خوشبختی است؛ تداوم و استواری خانواده بر فرزندداری بنا شده‌است، زیرا یکی از اهداف زناشویی در تعالیم اسلامی داشتن فرزند است و در احادیث پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام به همین معنا اشاره شده‌است. در تولید نسل توصیه این است که از فقر و نادانی نترسید و به فرموده رسول خدا (ص) اگر فردی از ترس فقر از بچه‌دار شدن جلوگیری کند، مورد نفرین است. و نیز فرموده اگر فرزند سقط شود پدر را به بهشت میبرد و اگر بمیرد، خدای اجرش دهد و اگر بماند برای او پس از مرگ طلب آموزش کند. از تمامی این متون بر میآید که در کنار امر زاد و ولد مسأله نسل سالم و صالح در اندیشه دینی کاملاً مورد توجه است. مرحوم علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار بابی را تحت عنوان «باب فضل توسعه العیال و مدح قلة العیال» گشوده و روایات این باب را در دو بخش جمع کرده است. بخشی مربوط به اهمیت وسعت دادن خانواده و فضیلت داشتن عیال و فرزند و بخش دوم روایاتی درباره تشویق به کم بچه داشتن اشاره میکند. (مجلسی، ۱۳۹۸ هـ، ج ۱۰۱، ص ۶۹) این نشان می‌دهد که به فرزندآوری در دین ما از تمامی جهات پرداخته شده‌است.

در هر حال آنچه به عنوان اصل و قاعده اولیه در متون روایی است، فرزندآوری و داشتن فرزندان متعدد و تکثیر است، در واقع با توجه به تعادل جمعیت، حفظ شاکله خانواده بر اساس حضور گرم فرزندان، توجه به قابلیت‌ها و استعدادها، نهفته آنها، برخورداری از امکانات تعلیم و تربیت‌شان و نیز توجه به مقابله با طرح‌های صهیونیستی در تکثیر زاد و ولد در مناطق یهودی‌نشین، رشد اندیشه ولایی و تفکر خاص علوی و حمایت از اصول و مبانی فقه جعفری و ترویج اندیشه انتظار و ظهور حق و حمایت از نهضت مهدوی، همه و همه موضوعاتی است که نباید مورد فراموشی قرار گیرند. البته ناگفته نماند روایاتی که به ازدیاد فرزند تشویق می‌کند، تنها نشان دهنده آن است که این کار یک کار پسندیده است نه واجب. در واقع دین مبین اسلام به گونه‌ای کلی زناشویی و فرزندآوری

و نگهداری فرزند را سفارش می‌کند، اما آیه‌ای هم نازل نشده که جلوگیری از باروری را منع کرده باشد.

www.dokhtiran.com

یکی از بحث‌هایی که در سال‌های اخیر در محافل علمی مطرح شده است، موضوع تعداد فرزندان و نقش آن در تربیت فرزندان است. برخی از کارشناسان دو فرزند را برای خانواده کافی و برخی دیگر مخالف این نظر بودند. متأسفانه در این سال‌ها برنامه ریزان در امر کنترل جمعیت دچار نوعی افراط شدند به گونه‌ای که اکنون در چند استان کشور شاهد نرخ رشد جمعیت نزدیک صفر هستیم، بدیهی است ادامه این روند می‌تواند کشور را از لحاظ امنیتی، اجتماعی و تربیتی با آسیب جدی روبرو کند. نکته‌ای که در اینجا نباید مورد غفلت قرار بگیرد این است که نمی‌توان برای تمام خانواده‌ها یک نسخه پیشنهاد کرد، بلکه تعداد فرزندان خانواده با توجه به نوع نگرش آنان به فرزند آوری، میزان درآمد و... می‌تواند تفاوت داشته باشد. با ذکر این مقدمه کوتاه با ذکر نکاتی به بررسی سوال شما می‌پردازیم.

1- در مورد تعداد فرزند در روایات عددی مشخص نشده ولی جهت گیری کلی روایات معصومین (ع) به سمت فرزند زیاد داشتن می‌باشد. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: با یکدیگر ازدواج کنید و بر تعدادتان بیفزایید، همانا من به تعداد شما مباحثات می‌کنم (بحارالانوار، ج 17، ص 259)

2- در اسلام، آن چیزی که بیشتر از هر چیزی در مورد فرزندان اهمیت دارد، تعداد آنها نیست بلکه تربیت صحیح و دینی آنهاست. تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان، امر بسیار مهمی است که لازم است در فرزند آوری مورد توجه قرار گیرد، بنابراین چنانچه خانواده‌ای توانایی بر طرف کردن نیازهای مادی و معنوی فرزندان خود را دارد، می‌تواند برای داشتن تعداد بیشتر فرزند برنامه ریزی کند.

3- چنانچه نگاهی سیستمی به خانواده داشته باشیم، بسیاری از رفتارهای کودک در زیر سیستم فرزندی شکل می‌گیرد؛ یعنی برای اینکه کودک شما در رفتارهای خود دارای پختگی باشد، علاوه بر اینکه با والدین خود تعامل دارد، لازم است با خواهر و برادر در محیط خانواده ارتباط داشته باشد، بدیهی است زمانی که کودکی از داشتن برادر و خواهر محروم شد، رفتارهایی که در سایه تعامل او با برادر و خواهرش شکل می‌گیرد، در او بوجود نمی‌آید و رفتارهای کودک از این لحاظ ناپخته می‌گردد. به یاد داشته باشید به هیچ عنوان محیط‌هایی مانند مهد کودک نمی‌تواند جای خالی خواهر و برادر را برای فرزند شما پر کند. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که از نظر روان‌شناسان غربی خانواده‌ای می‌تواند از لحاظ تربیتی موفق باشد که بیش از دو فرزند داشته باشد، بنابراین خانواده‌ای می‌تواند در تربیت فرزند خود موفق باشد که دارای چنین شرایطی باشد.

4- از آنجا که متأسفانه داشتن فرزند کم در جامعه ما تبدیل به فرهنگ شده است؛ به نظر می‌رسد در آینده‌ای نه چندان دور، ایران اسلامی در زمینه کمی جمعیت با مشکلات زیادی روبرو شود. از این رو وظیفه

افرادی مانند شما که سعی می‌کنند زندگی خود را بر اساس فرهنگ اسلامی تنظیم کنند این است که علاوه بر اینکه در راه پیدا کردن دستورات اسلامی در زندگی خود تلاش می‌کنند و در این مسیر از هیچ چیزی واهمه ندارند، دیگران را نیز با دلیل و استدلال با فرهنگ اسلامی آشنا کنند و آنان را در زمینه به کار گیری فرهنگ اسلامی در جنبه های مختلف زندگی بویژه ازدیاد نسل تشویق کنند

5-روایات زیادی در متون دینی ما وجود دارد که بر رزاق بودن خداوند تاکید می‌کند، بنابراین مشکلات مادی نمی‌تواند دلیل قانع کننده ای برای تعداد کم فرزندان باشد، البته به شرطی که علاوه بر توکل بر خداوند در حد توان خود برای برآورده کردن نیازهای مادی خانواده تلاش کنید .

درباره قسمت آخر سوال شما باید بگویم، تجربه بالینی ما نشان می‌دهد هیچ گاه فرزندان به دلیل مشاجره با یکدیگر دچار عقده و یا مشکلات روانی نمی‌شوند، البته به شرطی که والدین اینگونه مشاجرات را مدیریت کنند .

به گزارش واحد مرکزی خبر، محمودی در نشست خبری تبیین مصوبه سیاست‌های جمعیتی شورای عالی انقلاب فرهنگی با بیان این که قدر مطلق جمعیت مهم نیست بلکه مهم اندام واره جمعیت است که باید موزون باشد افزود: برای نرخ رشد جمعیت مهم نیست که جمعیت 60 میلیونی یا 100 میلیونی داشته باشیم بلکه تناسب رشد جمعیت و رشد موزون جمعیت اهمیت دارد. رئیس مرکز مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه با بیان این که اگر روند کاهش نرخ رشد جمعیت به همین صورت ادامه داشته باشد، رشد جمعیت به صفر می‌رسد، تصریح کرد: باید از کاهش نرخ رشد جمعیت جلوگیری کنیم که برای آن شورای عالی انقلاب فرهنگی مشوق هایی تصویب کرده است. وی افزود: این مشوق‌ها را ایران ابداع نکرده است، بلکه بسیاری از کشورها مشوق‌هایی را در رابطه با نرخ رشد جمعیت در نظر گرفته‌اند.

محمودی به گزارش سازمان ملل متحد در سال 2009 اشاره و اضافه کرد: حدود 180 کشور در دنیا مشوق‌هایی را در رابطه با نرخ رشد جمعیت در نظر گرفته‌اند.

رئیس مرکز مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه اضافه کرد: وقتی با کاهش نرخ رشد جمعیت مواجه هستیم باید حتماً از مشوق‌هایی در نظر بگیریم وگرنه با مشکل انقراض نسل مواجه خواهیم شد.

محمودی با بیان این که مردم به صورت عقلایی-اقتصادی تصمیم‌گیری می‌کنند، تاکید کرد: اگر در رابطه با نرخ رشد جمعیت از خانواده‌ها حمایت نکنیم، بعید است به نرخ 21فرزند برسیم.

رئیس مرکز مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه به اقدامات صورت گرفته دولت‌ها برای افزایش باروری اشاره کرد و گفت: برخی دولت‌ها مبلغی را در بدو تولد به والدین می‌دهند که کمک هزینه والدین یا تولد نامیده می‌شود که در کشورهای مختلف متفاوت است. محمودی با بیان اینکه برخی دولت‌ها مزایایی را به

خانواده‌ها برای افزایش باروری اختصاص می‌دهند، تصریح کرد: برخی دولت‌ها مزایای نقدی یا غیر نقدی به منظور رفاه و بهبود اوضاع والدین به آنها اختصاص می‌دهند که می‌توان مزایای نقدی، تخفیف مالیاتی و انواع یارانه‌ها را در این زمینه نام برد. وی گفت: در برخی کشورها به مادران شاغل در هنگام تولد فرزند مرخصی و برای امکان بازگشت دوباره به کار اطمینان به آنها داده می‌شود و مدت مرخصی مادران در کشورهای مختلف متفاوت است. محمودی با اشاره به اینکه در برخی از کشورها در هنگام تولد فرزند به پدران نیز مرخصی داده می‌شود، افزود: در برخی از کشورها مرخصی پدران به جای اینکه حق جداگانه‌ای باشد، بخشی از برنامه مرخصی پدران محسوب می‌شود و معمولاً مدت مرخصی پدران از مادران کوتاهتر است. وی گفت: از دیگر اقداماتی که دولت‌ها برای افزایش باروری انجام می‌دهند کمک هزینه مراقبت از فرزند است که شامل دسترسی به کمک هزینه آموزشی یا آموزش رایگان، مهدکودک، کودکستان یا دیگر خدمات حمایتی برای فرزندان در سن مدرسه است.

علی‌اکبر محزون در گفت‌وگو با فارس، درباره پیش‌بینی دو سناریوی جمعیتی در کشور اظهار داشت: بررسی تک‌فرزندی و کاهش نرخ باروری به زیر دو از برنامه‌هایی است که سازمان ثبت‌احوال برای سالهای آینده با استفاده از نرم‌افزارهای مربوطه پیش‌بینی کرده است.

وی ادامه داد: اگر تک‌فرزندی رواج پیدا کند تا پایان 1410 تا 1415 با جمعیتی حداکثر 85 میلیون نفر مواجه خواهیم شد و بعد از آن جمعیت کاهش می‌یابد و هرم جمعیتی معکوس می‌شود.

محزون درباره کاهش نرخ باروری در کشور بیان داشت: در حال حاضر نرخ باروری در کشور زیر 2 و سطح جانمایی بین 1.7 است و تا پایان سال 1420 جمعیت کشور با این روند بین 88 تا 90 میلیون نفر می‌رسد و پس از این دوره شاهد کاهش جمعیت در سالهای بعد هستیم.

مدیر کل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت‌احوال کشور افزود: اگر برنامه‌ریزی صحیح صورت بگیرد و مقداری بالاتر از سطح جانمایی که 2.1 است هدف‌گذاری کنیم و در سال 1430 نرخ باروری به 2.5 برسد و به ازای هر خانواده 2 تا 3 فرزند داشته باشیم. جمعیت بیشتر به طور معادل 98 میلیون نفر خواهد شد و ترکیب جمعیتی متعادل‌تری خواهیم داشت.

<http://www.noornews.ir>

توقف رشد جمعیت در سال 1415 با تک‌فرزندی

رشد جمعیت ایران از سال 1415 متوقف خواهد شد؛ اتفاقی که تا 25 سال دیگر در کشور رقم خواهد خورد. پیش‌بینی‌ها می‌گویند وقتی جمعیت کشور به 85 میلیون نفر برسد، جمعیت ایران در سرازیری پیرشدن خواهد افتاد.

سال 1415 که برسد، جمعیت کشور با روند کاهشی مواجه خواهد شد و تک‌فرزندی مهم‌ترین عاملی است که بحران توقف رشد جمعیت کشورمان تا دو دهه آینده را رقم خواهد زد

مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیت و مهاجرت سازمان ثبت احوال کشور می‌گوید: در صورتی که نرخ رشد جمعیت با روند کاهش مواجه شود و تک‌فرزندی افزایش یابد، با رسیدن جمعیت تا سال ۱۴۱۵ به ۸۵ میلیون نفر، پس از آن رشد جمعیت کشور متوقف خواهد شد.

علی‌اکبر محزون در گفت‌وگو با فارس با اشاره به کاهش نرخ باروری در کشور می‌گوید: هم‌اکنون نرخ باروری در کشور زیر 2 درصد و سطح جانمایی 1.7 درصد است و تا پایان سال 1420 جمعیت کشور با این روند به 88 تا 90 میلیون نفر می‌رسد و پس از این دوره، شاهد کاهش جمعیت در سال‌های بعد خواهیم بود

وی با پیش‌بینی دو سناریوی جمعیتی در کشور برای پیشگیری از معکوس شدن نرخ رشد جمعیت در کشور توضیح می‌دهد: بررسی تک‌فرزندی و کاهش نرخ باروری به زیر 2 درصد از برنامه‌هایی است که سازمان ثبت احوال برای سال‌های آینده با استفاده از نرم‌افزارهای ویژه پیش‌بینی کرده است

مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال کشور تصریح می‌کند: اگر برنامه‌ریزی‌ها درست پیش برود، در سال 1430 نرخ باروری به 2.5 درصد خواهد رسید و می‌توان پیش‌بینی کرد که به ازای هر خانواده دو تا سه فرزند داشته باشیم، به این ترتیب جمعیت کشور به حدود 98 میلیون نفر خواهد رسید که این رقم ترکیب جمعیتی متعادل‌تری را به وجود خواهد آورد.

کاهش جمعیت جوان، تهدید اقتصاد کشور

منفی شدن رشد جمعیت کشور که موجب کاهش تعداد جوانان و پیر شدن تدریجی جمعیت می‌شود، در اولین گام، تاثیر منفی خود را بر اقتصاد کشور خواهد گذاشت. کاهش تعداد نیروی کار با کاهش جمعیت جوان و آماده به کار در کشور، فعالیت‌های اقتصادی در بازار کار را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد، به طوری که کارشناسان اقتصادی از آن به عنوان مرگ اقتصادی نیز تعبیر می‌کنند

رئیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه در توضیح تاثیر ناخوشایند منفی شدن نرخ

رشد جمعیت بر اقتصاد کشور می‌گوید: نیروی کار، سرمایه، تکنولوژی و منابع چهار عاملی است که روی رشد اقتصادی يك کشور تاثیرگذار است؛ به طوری که با کم شدن نیروی کار به خودی خود، تمام موارد تحت تاثیر قرار می‌گیرند و سبب کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

در این میان چون بیشترین مصرف را نیروی کار جوان در جامعه به‌عهده دارد، اگر تعداد جوان‌ها کم شود، مصرف هم کم می‌شود. همچنین این موضوع روی کاهش جمعیت جوان در آستانه باروری هم تاثیر دارد و از تعداد فرزندان کاسته می‌شود که این عواقب خاص خود را دارد و باید در درازمدت از نیرویکار خارجی استفاده کرد. محمدجواد محمودی در تحلیل وضع پیش آمده توضیح می‌دهد: در دهه گذشته نرخ رشد باروری در کشور کاهش یافت و افراد بین ۱۵ تا ۶۴ سال بتدریج کم شدند. این بازه جمعیتی مثل استخری است که ورودی‌اش زاد و ولد بوده و خروجی‌اش هم سالمندان. بنابراین با کاهش تولدها این استخر هر روز مشتری‌هایش کم می‌شود و خروجی‌هایش بیشتر. محمودی معتقد است، کاهش تولدها هم خود علل متعددی دارد؛ افزایش باسوادی زنان، شهرنشینی، افزایش اشتغال زنان، سیاست‌های دولتی برای کنترل جمعیت در گذشته، به‌کارگیری سیاست‌های تنظیم خانواده، توسعه و مشکلات اقتصادی و کاهش فاصله طبقاتی از جمله این موارد است.

تك‌فرزندی عاملی برای اختلالات رفتاری

صرف‌نظر از این‌که چه شرایط و مشکلاتی زوجها را ترغیب به داشتن فرزند کمتر و تك‌فرزندی یا حتی نداشتن فرزند می‌کند، اگر والدینی که تصمیم می‌گیرند فقط يك فرزند داشته باشند، می‌دانستند تك‌فرزندی چه آسیب‌های منفی بر روح و روان و رشد شخصیت اجتماعی فرزندشان دارد و حتی ممکن است زندگی آینده فرزندشان را نیز تحت تاثیر قرار دهد، شاید در تصمیم‌شان کمی تجدیدنظر می‌کردند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد احتمال افزایش بیماری‌ها و اختلالات رفتاری و اجتماعی در تك‌فرزندان دور از انتظار نیست. نرگس خدیوی، کارشناس روان‌شناسی در گفت‌وگو با مهر با اشاره به مشکلات فراوانی که ممکن است تك‌فرزندها در طول دوران زندگی‌شان با آنها مواجه شوند، می‌گوید: تك‌فرزندها از آزمودن احساساتی که در روابط بین خواهر و برادر شکل می‌گیرد، محروم می‌مانند، در حالی که در خانواده‌های چندفرزندی ارتباط بچه‌ها باهم، بحث و حتی دعوا کردن هرازگاه با خواهر و برادر موجب می‌شود کودکان برای کنترل احساسات راهی مناسب پیدا کنند و بار دیگر به بازی مشغول شوند.

تك‌فرزندها در مدیریت رابطه نیز با مشکلاتی مواجه هستند. به گفته این روان‌شناس، تك‌فرزندها نمی‌توانند ناامیدی و فشارهای روحی را تحمل کنند و اگر توهینی به آنها شود، بدون این‌که قصدی در کار باشد، این

توهین را رفتاری عمدی برداشت می‌کنند. فرزندی که به تنهایی بزرگ شده، ممکن است تبحر لازم را نداشته باشد تا بتواند دعوای خود را با دیگران به گونه‌ای مدیریت کند که در نهایت هر دو طرف راضی شوند. خدیوی معتقد است تک‌فرزندها فقط به برقراری روابطی علاقه‌مندند که دربرگیرنده منافع آنان باشد. ایران سومین کشور پیر دنیا

جزو اولین‌ها بودن همیشه هم خوب نیست. مثل این بار که آمارها می‌گوید ایران سومین کشوری است که عنوان پیر شدن را در میان سایر کشورهای دنیا با خود یدک می‌کشد. پیر شدن جمعیت کشور مهم‌ترین پیامد منفی شدن نرخ رشد جمعیت در کشور است. این همان موضوعی است که مدیر سلامت خانواده، جمعیت و مدارس معاونت بهداشتی استان خراسان رضوی نیز با هشدار درباره آن می‌گوید: با کاهش رشد جمعیت و افزایش امید به زندگی، منحنی جمعیت کشور به سوی سالمند شدن حرکت می‌کند. محمد احمدیان در گفت‌وگو با مهر می‌گوید: نرخ رشد جمعیت طی سال‌های گذشته کاهش یافته و طبق آمار بین‌المللی، ایران از نظر سرعت پیر شدن جمعیت، رتبه سوم جهان را به خود اختصاص داده است. به گفته وی، براساس نتایج آخرین سرشماری جمعیت کشور که سال 90 انجام شد، جمعیت کشور به ۷۵ میلیون و ۱۴۹ هزار نفر رسیده است و درصد رشد جمعیت رقم 1.29 بوده است.

احمدیان درباره روند رشد جمعیت در بازده زمانی ۱۳۳۵ تاکنون توضیح می‌دهد: رشد جمعیت در فاصله سال‌های (۱۳۳۵-۱۳۴۵) 3.1 درصد، (۱۳۴۵-۱۳۵۵) 2.71 درصد، (۱۳۵۵-۱۳۶۵) 3.9 درصد، (۱۳۶۵-۱۳۷۵) 1.96 درصد، (۱۳۷۵-۱۳۸۵) 1.61 درصد و در آخرین سرشماری (۱۳۸۵-۱۳۹۰) به 1.29 درصد رسیده است.

افزایش سن ازدواج، مشکلات اقتصادی، تمایل زوجها و بخصوص زوج‌های جوان به داشتن فرزند کمتر، کاهش نرخ باروری و افزایش سن باروری از جمله مواردی است که به گفته این مقام مسئول، نرخ رشد جمعیت کشور را در مسیر کاهش قرار داده و جمعیت کشور را در روند حرکت به سوی پیر شدن قرار داده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد به طور مثال در استان خراسان رضوی متوسط رشد سالانه جمعیت بین سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ حدود 1.4 درصد بوده، در حالی که این رقم بین سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، 1.71 درصد بوده است که البته در مقایسه با کل کشور نرخ رشد جمعیت کمی بالاتر بوده است، اما روند رو به کاهش کاملاً مشهود است. مدیر سلامت خانواده، جمعیت و مدارس معاونت بهداشتی استان خراسان رضوی با اشاره به این‌که 6 درصد جمعیت کشور را سالمندان تشکیل می‌دهند، می‌گوید: براساس آمارهای بین‌المللی، سالمندان در سال‌های آینده ۳۳ درصد کل جمعیت کشور را به خود اختصاص خواهد داد، این در حالی است که جمعیت بالای ۶۰ سال ایران طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۵۰ با رشد ۲۶ درصدی مواجه خواهد بود. شاید فقط گفتن از پیامدهای منفی شدن نرخ رشد جمعیت کشور و تشویق مردم به فرزندآوری

چندان هم منطقی نباشد، اما اگر مسئولان سازمان‌ها و دستگاه‌های متولی در کنار سیاست‌های تشویقی، با برنامه‌ریزی در راستای از میان برداشتن موانع و مشکلاتی که در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی سد راه خانواده‌های ایرانی برای داشتن فرزند می‌شود، اقدام کنند، آن وقت شاید بتوان از توقف نرخ رشد جمعیت کشور که پیامدهای منفی آن که در وهله اول خانواده‌های ایرانی و آینده نژادها سپس بر جامعه و اقتصاد کشور را درگیر خود خواهد کرد، پیشگیری کرد.

روزنامه جام جم، شماره 3627 به تاریخ 91/11/21، صفحه 1 (صفحه اول)

<http://www.jamejamonline.ir/NewsPreview/>

توجه: مزگان کریمی

*مطالب مرتبط:

مادری شاداب، کودکی سالم



از منظر روانشناسی کدام یک مناسب‌تر است؟

گرچه در مباحث جمعیت شناختی غالباً به آسیب‌هایی اشاره می‌شود که از ترکیب فقر و پرجمعیت بودن خانواده‌ها نشأت می‌گیرد، اما در این بین به آسیب‌های اخلاقی و تربیتی که متوجه خانواده‌های کم‌جمعیت

به ویژه تک‌فرزند است و همچنین به منافع و فوایدی که در خانواده‌های پرجمعیت وجود دارد، دقت نمی‌شود. البته ترکیب رفاه و تک‌فرزندی هم خود مقوله‌ای است که می‌تواند باعث بروز مشکلات فراوانی شود. این مشکلات هم در مطالعات خانواده قابل توجه‌اند و هم در مطالعات اجتماعی که در این گزارش مجال پرداختن به تمام ابعاد آن نیست. در کنار والدینی که معتقد به تعداد فرزندان کم هستند، تعدادی از والدین هم نگرانند که در صورت تک‌فرزند داشتن، فرزندشان از مزایایی در زندگی محروم شوند. در سال ۲۰۰۴/۱۳۸۳ مطالعه‌ای بر روی کودکان حدود ۵ ساله انجام و اعلام شد کودکانی که خواهر یا برادر ندارند در مقایسه با کودکان هم سن و سال خود که تک‌فرزند نیستند مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی ضعیف‌تری دارند و این موجب شد نگرانی‌ها افزایش یابد. البته در مطالعه جدیدی که به تازگی صورت گرفته مشخص شده است که این تفاوت با بزرگتر شدن کودکان تا حدودی برطرف می‌شود، اما همچنان اثرش به طور کمرنگ باقی است. در حقیقت محققین این پدیده را چنین توجیح می‌کنند که آموختن مهارت‌های اجتماعی مانند مسیری است که داشتن خواهر و برادر حرکت در این مسیر را سریع‌تر و آسان‌تر می‌سازد و برای ادامه مسیر، ارتباط با همسالان برای کودکان بسیار ضروری است، تا بتوانند مهارت‌های اجتماعی لازم را بیاموزند. در هر حال این امر قابل انکار نیست که تک‌فرزندی بر رفتار والدین و همین‌طور کودکان تاثیر فراوانی دارد، همان‌طور که خود ما نیز در اطراف‌مان گاهی شاهد این امر هستیم که کودکان در خانواده‌های تک‌فرزند در طیفی از خواسته‌های بی‌پایان خود رشد می‌کنند و این در حالی است که همه یا اکثر خواسته‌هایشان هم اجابت می‌شود! شاید شما هم شاهد این مسئله بوده‌اید که در اکثر موارد مفاهیم اخلاقی مثل قناعت، ایثار، گذشت برای دیگری، تلاش برای استقلال شخصیت به گونه‌ای مسئولانه در این کودکان تجربه نمی‌شود و این امر خود جای تأمل دارد، چرا که فرزندان ما پدران و مادران فردای این سرزمین هستند و باید خود نیز پرورش دهنده کودکان آینده باشند. آزاده امینی‌ها، روانشناس و مدرس دانشگاه، در این خصوص معتقد است: «مسئله تعداد فرزندان بستگی زیادی به توافق، برنامه‌ریزی والدین، نوع زندگی و توانایی آنها دارد و نمی‌توان برای همه خانواده‌ها یک نسخه پیچید. به طور مثال: خانواده‌ای که در کنار پدر، مادر هم شاغل است با خانواده‌ای که مادر خانه‌دار است بسیار متفاوت است و این مسئله در انتخاب آنها نقش اثرگذاری دارد.» وی ادامه می‌دهد: «در واقع انتخاب تعداد فرزندان از سوی خانواده‌ها باید بر اساس سه اصل آزادی، آگاهی و مسئولیت باشد و والدین با توافق و در نظر گرفتن تمامی جوانب دست به انتخاب بزنند.» امینی‌ها اضافه کرد: «با تمام این تفاسیر از نظر پزشکی زمان باروری زن ۱۸ تا ۲۵ سال است و این در حالی است که در جامعه ما تعداد کمی از دختران در سن ۱۸ سالگی تن به ازدواج می‌دهند و میانگین سن ازدواج ۲۲ سال است. همچنین فاصله سنی مناسب بین کودکان نیز باید ۳ تا ۵ سال باشد، در نتیجه زمان برای فرزندآوری نیز کمتر می‌شود.» این مدرس دانشگاه تصریح کرد: «در حال حاضر به دلیل اشتغال مادران میزان فرزندآوری کاهش پیدا کرده است و این مسئله را می‌توان امری جدی قلمداد کرد، گرچه این امر دارای معایب و فوایدی هم هست، اما کم اثر کردن معایب آن کار آسانی نیست؛ گرچه به طور قطع در

روانشناسی مطرح نشده که چه تعداد فرزند مناسب است، اما در خصوص فاصله سنی مناسب بین کودکان و معایب تک فرزندی سخنانی بیان شده است.

کودک تک‌فرزند؛ وابسته، آسیب‌پذیر و شکننده بار خواهد آمد

این روانشناس ادامه می‌دهد: «چیزی که در جامعه امروز ما باب شده تعداد فرزند کم و یا بهتر است بگوییم تک‌فرزندی است، والدین تصور می‌کنند اگر یک فرزند داشته باشند می‌توانند در کنار رسیدگی بهتر به آن خود نیز زمان و فضای بیشتری در اختیار داشته باشند. این طرز تفکر تا حدود زیادی درست نیست. چرا که سرویس‌ها و توجهات بیش از حدی که به کودک می‌شود، موجب می‌گردد کودک وابسته، آسیب‌پذیر و شکننده بار بیاید و در نتیجه از بسیاری از روابط اجتماعی محروم گردد. گرچه پدر و مادر می‌توانند با دقت در تربیت کودک خود تا حدودی این مسئله را کاهش دهند، اما به طور کامل امکان نخواهد داشت. طبق پژوهشی که در خصوص والدین تک‌فرزند صورت گرفته است مشخص شده تلاش والدین برای کودک‌شان نه تنها کاهش نیافته و فرصت بیشتری برای خود نیافته‌اند، بلکه دو برابر شده‌است، چرا که آنها فرزند دیگری ندارند که وقت‌شان را صرف او کنند در نتیجه تمام وقت‌شان صرف تنها فرزندشان می‌شود.»

امینی‌ها ضمن اشاره به پژوهش دیگری که در این خصوص صورت گرفته است گفت: «در واقع طبق تحقیقات صورت گرفته خانواده‌هایی که دارای دو فرزند هستند، آن هم فرزندان دختر، نسبت به خانواده‌های تک‌فرزند، شادی بیشتری را تجربه می‌کنند. به عقیده من داشتن تنها یک فرزند نمی‌تواند زیاد به سلامت خانواده کمک کند، ما در روانشناسی بیشتر با این مسئله مواجه هستیم که کودکان ما فاصله سنی مناسبی داشته باشند تا خانواده سالم‌تر باشد، در واقع فاصله سنی ۳ سال از نظر ما روانشناسان فاصله خوبی است چون نزدیکی سن آنها باعث می‌شود از داشتن هم‌بازی برخوردار باشند در نتیجه رشد روابط اجتماعی آنها بهتر خواهد بود. همچنین فرزند بزرگتر نقش والد را پیدا نمی‌کند. در هر حال طبق آنچه در متون ما گفته شده، اثرات داشتن یک فرزند بر زندگی والدین بیشتر است و گاهی این اثرات نامطلوب خواهد بود.

معاون پژوهشی مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه با بیان اینکه به طور متوسط هر ۱۰ زوج ایرانی ۱۸ فرزند دارند، گفت: بررسی تحولات جمعیتی ایران نشان می‌دهد که رقم ۶ فرزند در اوایل انقلاب به تدریج کم شده تا اینکه در سال‌های اخیر به ۱/۸ فرزند رسیده است.

دکتر شهلا کاظمی پور در گفتگو با پورتال خبری البرز، درباره مدت زمان باروری در کشور افزود: طبق بررسی‌هایی که ما داشته ایم و نیز بر اساس آماری که ثبت احوال به ما اعلام کرده شاخص تعداد کل فرزندان کاهش یافته است.

وی ادامه داد: در جمعیت‌شناسی شاخصی داریم به نام تعداد کل فرزندان که با محاسبه تعداد کل فرزندان در طول دوره باروری محاسبه می‌شود. در اوایل انقلاب، این شاخص یعنی میانگین تعداد فرزندان یک خانواده در طول سنوات باروری ۶/۵ فرزند بوده است.

معاون پژوهشی مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه تصریح کرد: در کشورهایی که سیاست‌های کنترل موالید ندارند و مردم به طور طبیعی باردار می‌شوند، تعداد فرزندان بالاست و حتی بیشتر از هشت فرزند هم در یک خانواده وجود دارد که البته چند تا از این فرزندان ممکن است فوت کنند اما در کشورهایی که سیاست کنترل موالید اعمال می‌شود این رقم کم می‌شود.

دکتر کاظمی پور افزود: بررسی تحولات جمعیتی در ایران نشان می‌دهد که رقم ۶/۵ فرزند در اوایل انقلاب به تدریج کم شده تا اینکه در سال‌های اخیر به ۱/۸ فرزند رسیده است.

وی ادامه داد: طبق آمار اگر زوج‌ها به طور متوسط ۲/۱ فرزند داشته باشند و فرزندان جایگزین آنها شوند، جمعیت ثابت می‌ماند و این ۰/۱ نیز به دلیل احتمال فوت فرزندان لحاظ شده است.

معاون پژوهشی مرکز مطالعات آسیا و اقیانوسیه افزود: اگر تعداد فرزندان والدین کمتر از این مقدار باشد، جمعیت جایگزین نمی‌شود و هر چه این رقم کم شود، تعداد کل فرزندان زوجین کم می‌شود.

دکتر کاظمی پور اظهار کرد: عدد ۱/۸ فرزند (تعداد کل فرزندان برآورد شده در سال ۱۳۸۵) یعنی به طور متوسط هر ۱۰ زوج ۱۸ فرزند دارند. به این معنی که یا یک بچه دارند یا دو بچه؛ در مورد خانواده‌هایی که یک فرزند دبستانی دارند، احتمال اینکه خانواده در آینده یک بچه دیگر هم بیاورد هست اما تعداد فرزندان از دو نفر تجاوز نمی‌کند www.alborznews.co/view/14079.aspx

در حال حاضر به دلیل اشتغال مادران میزان فرزندآوری کاهش پیدا کرده است و این مسئله رami توان امری جدی قلمداد کرد.

ازدواج و در نتیجه آن فرزندآوری دو تصمیم مهم و اثرگذار در زندگی هر فردی است، گرچه گرفتن هر یک از این تصمیمات متأثر از شرایط اجتماعی، اقتصادی و گاهی نیز فرهنگی است، اما قدر مسلم نگرش خود فرد به این موضوع حرف نخست را می‌زند و تصمیم‌گیرنده نهایی خود اوست.

شاید بتوان به جرأت گفت فرزندآوری و در واقع صاحب اولاد شدن یکی از آرزوهای هر زوجی است که زندگی مشترک خود را آغاز کرده‌اند، حال برای برخی بسیار زود دست‌یافتنی، برای برخی دیرتر و متأسفانه برای عده‌ای هرگز دست‌یافتنی نیست. آنچه در این گزارش تلاش کرده‌ایم به آن پردازیم تصمیم‌گیری در خصوص تعداد فرزندان است، اینکه تصمیم‌گیری زوجین در این خصوص از منظر مذهبی و روانشناسی چه توجیهاتی می‌تواند داشته باشد. همانطور که در بسیاری از مقالات و گزارش‌ها به آن اشاره شده است، افزایش جمعیت در برهه‌ای از زمان در کشورمان سیر صعودی داشته، به همین خاطر مسئولان این امر به فکر چاره‌اندیشی افتادند تا اینکه نهایتاً برنامه کاهش میزان باروری و تنظیم خانواده در سال ۱۳۵۰ آغاز شد و این روند در طول سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به علت تحولات اجتماعی و سیاسی که به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تصمیم‌گیری زوجین در تعیین تعداد فرزندان مؤثر بود، متوقف گردید. سال‌های پس از انقلاب بخصوص سال‌های جنگ تحمیلی شرایط برای افزایش باروری مناسب بود، گرچه توقف کاهش باروری زیاد طول نکشید و مجدداً در نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ میزان باروری رو به کاهش نهاد، تا اینکه در سال‌های اخیر سیاست‌های کنترل جمعیت تغییرات اساسی یافته و دولت‌مردان تصمیم گرفتند برنامه‌هایی در خصوص تشویق زوجین به فرزندآوری ارائه **وضعیت امروز جامعه ما چگونه است؟** آیا امروز زنان و دختران ما به آسانی تن به ازدواج و فرزندآوری می‌دهند؟ گرچه رشد جمعیت کشورمان نشان می‌دهد که میزان مولید پایین نیست، اما مطمئناً چشم‌گیر هم نیست، چرا که بسیاری از کارشناسان جمعیتی ما معتقدند در سال‌های اخیر رغبت زنان ما به فرزندآوری کاهش یافته و این می‌تواند آغاز فاجعه‌ای خاموش باشد. ناگفته نماند که در کنار فرزندآوری، تصمیم‌گیری در خصوص تعداد فرزندان نیز این روزها به پرسشی جدی بدل شده است. گرچه تأثیر شعاری مثل «فرزند کمتر، زندگی بهتر» را نمی‌توان نادیده گرفت، شعاری که چند سالی نقل محافل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ما شده بود و اکنون کمی رنگ باخته، اما همچنان اثرش پا برجاست! اگر کمی وسعت نگاهمان را به اطراف بیشتر کنیم، به خوبی می‌بینیم اطرافمان پر شده از خانواده‌های ۲ تا ۳ نفری و این یعنی عدم احساس خواهرشدن، برادرشدن و به حاشیه رفتن معناهایی مثل خاله، عمه، دایی و عمو! دختران و زنان امروز سال‌های بیشتری را در مدرسه و دانشگاه می‌گذرانند و این امر باعث تأخیر در امر ازدواج و فرزندآوری آنان شده؛ امروزه، هم دولت و هم خانواده‌ها بالا بردن میزان تحصیلات زنان را مهم می‌دانند و آرزوی داشتن کار خارج از خانه و علاقه‌مندی به بالا بردن میزان تحصیلات در بین زنان، همچنین پر خرج بودن فرزندان زیاد، تا حدودی باعث کاهش میزان باروری شده است. در واقع شرایط اقتصادی بهتر ممکن است باعث کاهش تورم شود، اما مشکل بتوان گفت شرایط اقتصادی بهتر، باعث تغییر در تمایل به داشتن خانواده کوچکتر شود. والدین امروز می‌گویند: «حتماً لازم نیست کودکانمان

خواهر و برادر داشته باشند، کافی است با همسالان خود در ارتباط باشند و زمان کافی برای یادگیری مهارت‌ها به آنها داده شود.» برای بسیاری از والدین اهمیت داشتن خواهر و برادر در زندگی فرزندشان به صورت یک علامت سوال در آمده است، بخصوص در زندگی امروز که خانواده‌ها، مشکلات، گرفتاری‌ها و نیازهای متفاوتی را تجربه می‌کنند. البته ناگفته نماند که هنوز هم تعداد بسیاری از خانواده‌ها جدای از تمام آنچه گفته شد تصمیم‌شان در انتخاب تعداد فرزندان از یک سو متأثر از اعتقادات مذهبی و دینی، و از سوی دیگر تجربیات و نظرات کارشناسان این امر است.